

نقد و بررسی تطبیقی تاریخنگاری کتاب عالم آرای امینی از روزبهان خنجی و کتاب دیار بکر به از ابوبکر طهرانی

فرحناز باغانی^۱

علی قائمی خوش بین^۲

چکیده

برای فهم بهتر جریان‌های تاریخی بدون شک باید به سراغ منابع دست اولی برویم که در همان ایام نوشته شده است و حتی نویسنده خود شاهد حوادث تاریخی آن دوران بوده است البته مطالعه‌ی تاریخ باید با فنون تاریخنگاری باشد و پژوهشگر بتواند صحیح را از غلط و سره را از ناسره تشخیص دهد تا حداقل امکان غرض ورزی و تعصبات نویسنده را در آن دریابد تا از اشتباهات جلوگیری کرده و بتواند تحقیقات خود را به نحو احسن نوشته و ارائه کند. یکی از دوران‌های تاریخنگاری ایران که متأسفانه امروزه کمتر به آن اهمیت داده و در مورد آن پژوهش می‌شود دوره‌ی قراقویونلوها و آق قویونلوها می‌باشد که حکومتی ترک زبان بودند و حدفاصل حکومت تیموریان تا برآمدن صفویه حکومت کرده‌اند شاید از نظر زمانی و وسعت دو حکومت محلی و کوچک بشمار آیند ولی تأثیرات فراوانی بر حکومت‌های بعد از خود و افکار و نوع تاریخنگاری مخصوصاً صفویه گذاشتند. ما در این مقاله سعی داریم با انتخاب دو کتاب مهم عالم آرای امینی و کتاب دیار بکر که هر دو در زمان حکومت آق قویونلوها و قراقویونلوها نگارش شده‌اند و جز منابع اصلی محسوب می‌شوند با نوع تاریخ نگاری و ثبت حوادث آن دوران آشنا شویم و نکات مهم و شاخصه‌ها و ویژگی‌های هر کدام از حکومت‌ها و نحوه‌ی کار هر کدام از مورخان را با توجه به روش‌های جدید تاریخنگاری نقد و بررسی کنیم و اشکالات و نقاط قوت و ضعف هر مورخ را اشاره کنیم.

واژه‌های کلیدی: قراقویونلوها، آق قویونلوها، تاریخنگاری، دیار بکر به، عالم آرای امینی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی

۲. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی

با توجه به اهمیت تحولات سیاسی و فرهنگی ایران در دوره فرمانروایی آق قویونلوها و قراقویونلوها در سده نهم هجری در می‌یابیم که کتاب‌های زیادی تألیف شده که در واقع ادامه‌ی همان ساده نویسی قرن هفتم هجری است. نثر این دوره مصنوع و متکلف است و برخی در حق پادشاهان بسیار غلو می‌کردند و هرکدام را شایسته‌ی پادشاهی عصر خود می‌دانستند. تواریخ این دوره هرکدام مکمل یکدیگر هستند و تاریخ نگاری آنان بیشتر بر مبنای مشاهدات شخصی و دسترسی به اسناد آن دوره است که از این نظر بسیار حائز اهمیت هستند. (نفیسی، ۱۳۴۴: ۴۵-۵۹) دوران فرمانروایی آق قویونلوها یکی از دوره‌هایی است که با توجه به ترک زبان بودن پادشاهان به زبان فارسی بسیار توجه و علاقه نشان داده می‌شد، همچنین آنها علاقه به جمع آوری اندیشمندان داشتند از جمله دوران پادشاهان اوزون حسن و فرزندش یعقوب بود که یکی از ادوار پر رونق ادب و فرهنگ و آموزش است. دو تن از ادیبان برجسته دربار آق قویونلو و قراقویونلوها فضل الله روز بهان خنجی است و ابوبکر طهرانی، هستند. کتاب عالم آرای امینی از روزبهان خنجی و دیار بکر به از ابوبکر طهرانی از منابع اصلی این دوره محسوب می‌شوند که هرکدام حاوی اطلاعات ارزشمندی از نحوه‌ی حکومت و سیاست‌های نظامی و پادشاهان و حتی تاریخ اجتماعی آن دوران است. مورخان و پژوهشگران برای ارائه تحقیقات خود باید شناخت کاملی از دوره‌ی زمانی این دو حکومت یعنی حفاصل تیموریان تا بر آمدن صفویه داشته باشند که برای این شناخت باید به سراغ منابع اصلی این دوره بروند تا ویژگی‌های آن دوران را بهتر درک و تفسیر کنیم و در انجام پژوهش‌های خود و تاریخ نگاری دوره‌های مختلف دچار اشتباه نشوند.

آشنایی مختصر با نویسندگان

ابوالخیر فضل‌الله بن روزبهان صاعدی سپاهانی، متخلص به «امین» و معروف به «خواجه ملأ» یا «خواجه مولانا» و «پاشا»، شاعر، اندیشمند، فقیه و عارف ایرانی در حدود سال‌های ۸۵۰ تا ۸۶۰ ق در سمرقند، به دنیا آمد. اصلش از خنج، از توابع لارستان فارس، بود. (خنجی، ۱۳۸۲: ۶۴). آگاهی ما از زندگی وی منحصر به مطالبی است که بیشتر در نوشته‌های خود او به صورت پراکنده بر جای مانده است. به گفته خودش: او خنجی بود، در شیراز زاده شد و رشد کرد، در حالی که اصل و نسب اصفهانی داشت. خنج از توابع لارستان فارس است و بیشتر ساکنان آن را در روزگار مؤلف، سنیان شافعی مذهب تشکیل می‌دادند. تاریخ مرگ فضل‌الله خنجی مانند تولدش روشن نیست و هر کدام از نویسندگان تاریخی را در باره‌ی وفات او داده‌اند وفات وی در تاریخ بخارا حدود سال‌های ۹۳۰ تا ۹۴۰ ق، ذکر شده است. (همان: ۹۲)

ابوبکر طهرانی، از دیوان سالاران و مورخان دربار ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در قرن ۹ هجری (۱۵ میلادی) بوده است. در باب تاریخ تولد و آغاز زندگی مؤلف اطلاعی در دست نیست و آن چه درباره‌ی شرح احوالش می‌دانیم صرفاً از جای جای کتاب دیاربکر به ی اوست. او در آغاز کتاب، خود را ابوبکر طهرانی اصفهانی نامیده است؛ او مدتی در اردوگاه شاهرخ به سر می‌برد و هنگامی که محمد میرزا پسر جهانشاه قراقویونلو به حکومت اصفهان گماره شد، ابوبکر به وی پیوست و در دیوان او به کار پرداخت و در نبردهای او و جهانشاه با سلطان ابوسعید تیموری شرکت کرد. عهدنامه‌ای که بین جهانشاه و سلطان ابوسعید تیموری به امضاء رسید، به وسیله‌ی او نوشته شده است. (طهرانی، ۱۳۵۷: ۱/۱۵) علی‌رغم شهرت فراوان، از شرح زندگانی و روند دانش اندوزی وی به جز آنچه خود در کتاب دیار بکر به اش نوشته است، اطلاعات دیگری در دست نیست. او در ابتدای کتاب، خود را «ابوبکر الطهرانی الاصفهانی» خوانده است. عدم اطلاع از شرح حال مؤلف، سبب گمانه زنی‌هایی درباره‌ی هویت او شده است. از جمله



محمدامین خنجی را عقیده بر این است که ممکن است این کتاب تألیف وزیر و مورخ رسمی سلاطین آق قویونلو «خواجه فضل الله روزبهان خنجی» باشد. تاریخ درگذشت ابوبکر روشن نیست؛ اما می دانیم که در ۸۸۲ هجری قمری یعنی زمان مرگ اوزون حسن، وی زنده بوده و به احتمال پس از ۸۸۶ درگذشته است. کتاب دیاربکر به تنها تاریخی است که مستقلاً درباره‌ی ترکمانان آق قویونلو و قرا قویونلو نوشته شده است.

اهمیت کتاب عالم آرای امینی از روزبهان خنجی

تاریخ عالم آرای امینی تألیف ابوالخیر فضل‌الدین روزبهان بن خنجی از منابع تاریخی دست اول حکومت ترکمانان آق قویونلو، به ویژه زمان حکومت سلطان یعقوب فرزند اوزون حسن و اوایل به قدرت رسیدن صفویان (به ویژه اقدامات شیخ جنید شیخ حیدر و شاه اسماعیل و حوادث دوران آن‌ها به شمار می‌آید. مخالفت و کینه مؤلف سنی و متعصب کتاب نسبت به دودمان صفوی مشهور و در مطالب کتاب مشهود است. ظاهراً این کتاب تصحیح تک نسخه اصلی کتاب است، در تصحیح حاضر متن اصلی در دو بخش تدوین شده و در پایان هر دو بخش یادداشت‌های مصحح عمدتاً شامل شرح برخی واژه‌ها یا توضیح برخی اصطلاحات و نکات ادبی آمده است. جلد نخست کتاب اندکی پس از مرگ سلطان یعقوب به پایان رسیده است نویسنده ناگزیر با افزودن مطالبی درباره‌ی بایسنغر که کودکی بیش نبوده و وزیرش امیر سلیمان بیک بیچن اثر خود را به او تقدیم کرد و به او گزارش سلطنت او را به جلد دوم کتاب وعده داد اما بایسنغر دوسال بعد از سلطنت معزول شد و جلد دوم که مربوط به سلطنت او بود به فرجام نرسید. پس از عزل بایسنغر اطلاعاتی از زندگی و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی نویسنده در دسترس نیست اما نویسنده در حوالی سال عزل بایسنغر رساله هدایه التصدیق الی حکایت‌ه الحریق را در محله‌ی جی اصفهان نگاشت و از این امر پیدا است در این دوره نویسنده خلوت گزیده و به تدریس و تألیف مشغول است. (خنجی، ۱۳۸۲: مقدمه ۶۶)

انگیزه تألیف: فضل‌الله، غرض از تألیف این تاریخ را بیان سوانح دوران سلطان یعقوب معرفی می‌کند.

اهمیت کتاب دیاربکر به از ابوبکر طهرانی

این کتاب، تنها منبعی است که به صورت مستقل درباره ترکمانان قرا قویونلو و آق قویونلو وجود دارد. زبان کتاب فارسی است و در سده نهم نگارش یافته است. این کتاب، یگانه تاریخ مستقل در باره قرا قویونلوها و آق قویونلوهاست و از دیرباز شهرتی بسزا داشته است. نویسنده در باره‌ی گزینش عنوان این کتاب می‌گوید: «چون در سال هشتصد و هفتاد و پنج هجری، مُعْظَمِ امور مرتبه درین کتاب مَحَرَّر و منقح گشت و لفظ بکر هم در لقب محرّر جزء ثانی و هم در اسم مملکتی که مولد و منشأ و محل ایالت حضرت صاحب قرانی (= اوزون حسن) است، جزء ثانی واقع شده بود، موسوم شد به کتاب دیاربکر که جمع حروف آن از روی حساب (ابجدی) هشتصد و هفتاد و پنج است». (همان: ۸) نویسنده پیش از فرمانروایی اوزون حسن بر سر این بوده که کتابی عامه پسند شامل نوادر زمان بنویسد، اما در این کار توفیق نیافته است (همان: ۵۶) و چندی بعد، به فرمان اوزون حسن، مأمور نوشتن تاریخ زندگی او شده است. (همان: ۱۰) در بیان اهمیت این کتاب همین بس که «پروفیسور والتر هینتس» یافت نشدن این مأخذ را تا قبل چاپ آن یکی از موجباتی می‌داند که اوزون حسن تاکنون مورد توجه محققان قرار نگرفته است. خواند میر از وجود این کتاب مطلع بوده اما در تاریخ حبیب السیر خود به ویژه در بخش مربوط به «ترکمانان» از آن استفاده نکرده است. فاروق سومر، مصحح اثر، در مقدمه خود بر جزء اول کتاب دیاربکر به بر این باور بوده است که «نسخه منحصر به فرد این کتاب که در چاپ حاضر (چاپ

۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ آنقره) به کار رفته است، اتفاقاتی را که تا به سال ۸۷۶ ه. ق رخ داده در بردارد و ناقص است.» (طهرانی، ۱۳۵۷: ۱/مقدمه ۲۷۱) فاروق سومر در مقدمه جلد اول کتاب دیار بکر به گمان برده است که کتاب ناقص است و باید آن را بر پایه نوشته‌های حسن بیگ روملو در احسن التواریخ و منجم باشی در جامع الدول تکمیل کرد. ولی همو، پس از بررسی این مسئله در مقدمه جلد دوم، ابوبکر طهرانی، کتاب دیار بکر به، چاپ نجاتی لوغال و فاروق سومر، آنکارا ۱۹۶۲ - ۱۹۶۴. احتمال ناقص بودن کتاب را با دلیل‌هایی رد کرده است. (همان: ۲۰)

انگیزه تألیف: مؤلف، این اثر را احتمالاً در ۸۷۸ هجری قمری و بنا به فرمان اوزون حسن به رشته‌ی تحریر درآورده، اما با وجود این که تا دوره‌ی یعقوب بیگ پسر اوزون حسن زنده بوده، تاریخ رویدادهای اوزون حسن را به پایان نرسانده است؛ شاید به دلیل آن که نخواسته است شکست هولناک مخدوم خود را از سلطان عثمانی ذکر کند.

ساختار کلی کتاب عالم آرای امینی

مهم‌ترین مباحث و موضوعات تاریخی کتاب عبارت‌اند از: اوزون حسن و خصوصیات او؛ اختلافات پس از مرگ او بر سر جانشینی وی؛ چگونگی به قدرت رسیدن سلطان خلیل فرزند و جانشین اوزون حسن و اقدامات وی برای استحکام سلطنت خویش مبارزات سلطان یعقوب (بردار سلطان خلیل و فرزند سوم اوزون حسن) برای دستیابی به قدرت اوضاع سیاسی و اجتماعی مناطق تحت حکومت سلطان یعقوب، فتوحات او و نحوه اداره قلمرو حکومت سلطان یعقوب و سرکشی‌های زمان وی و سرکوبی مخالفان از سوی او به شکل مفصل و مشروح شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بازماندگان او شرح مبارزات شیخ جنید و شیخ حیدر برای کسب قدرت سیاسی و نظامی قدرت و نفوذ اخلاقی شیخ جنید و شیخ حیدر در مریدان خویش و وصلت این دو با خانواده اوزون حسن. جنگ‌های آنان با شروانشاهان، حمایت سلطان یعقوب از شروانشاهان و کشته شدن شیخ جنید و شیخ حیدر است. (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۳۱-۱۶۳)

تاریخ عالم آرای امینی نوشته فضل‌الله بن روزبهان خنجی نیز یکی از منابع مهم تاریخی و ادبی زبان فارسی محسوب می‌شود که نویسنده به عنوان وقایع نگار دربار سلطان یعقوب در این اثر رویدادهای دوران انحطاط تیموریان هرات و ظهور صفویان را به رشته تحریر در آورده است. این کتاب بسیاری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شیخ حیدر و شیخ جنید را در کسب قدرت آشکار می‌کند و نیز بررسی آن به بسیاری از پرسش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی واپسین سال‌های شاهان آق‌قویونلو و دوران اقتدار شاهان صفوی پاسخ می‌دهد. سلطان یعقوب که خود شاعر و ادیب بود از او خواست که مقدمه کتاب، یعنی بخشی را که به ستایش خداوند مربوط است، بخواند تا دریابد، در نگارش چنین اثری چه اندازه دانش و توانایی دارد. پس از خواندن خطبه کتاب، سلطان دستور داد تا دیباچه مناسبی بر آن بیفزاید. فضل‌الله به دستور سلطان عمل کرد و در ضمن دیباچه آمادگی خود را برای تألیف تاریخ همایون و رویدادهای سلطنت وی به نحوی که تواریخی نظیر جهان‌گشای جوینی را تحت الشعاع قرار دهد ابراز داشت و با یک بیت شعر توانایی خود را نوشتن کتاب نشان داد. (خنجی، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۹) نویسنده پس از دریافت پاداش و دستور سلطان یعقوب، به نوشتن تاریخ عالم آرای امینی مأمور شد. او برای نگارش کتاب خود، چهار سال با درباریان در ارتباط بود و در سفر و حضر، شاه را همراهی می‌کرد. این کتاب را با توجه به موضوع آن، می‌توان دو بخش کرد: نخست مقدمه و دیگر تاریخ روزگار سلطان یعقوب. فضل‌الله مانند دیگر تاریخ‌نویسان اسلامی، تاریخ عالم آرای امینی را با حمد و سپاس الهی آغاز می‌کند و سپس

به توصیف و تمجید اولیا و خلفا که به باورش پس از ختم نبوت، قایم مقام رسالت الهی و استوارهای دین بر روی زمین هستند می‌پردازد. (همان: ۱۲۳)

او معتقد است که خداوند با دارا بودن قدرت نامحدود، به مصداق آیه انا جعلناک خلیفه فی الارض. انسان را به اعلی مرتبه شرف و ارجمندی رسانید و چشم عالم و اشرف مخلوقات قرارداد. به نظر وی جمیع نفوس کامل انسانی مظاهر اسماء الهی اند؛ یعنی حق تعالی با اسما و صفات خویش ناظر و ظاهر و حاضر در عالم است و هر ذره و هر مرتبه‌ای از این عالم نشانی از اسم و صفت متعالی او دارد. اگر در عالم نشانی از زیبایی و کمال است، همه حاکی از اسما و صفات و جمال و لطف او است و اگر کفر و زشتی در آن به نظر می‌آید، هم نشانی از اسما و صفات جلال و قهر او دارد. اگر تقابل و ترکیبی است، حکایت از تقابل و ترکیب مظاهر این اسما و صفات دارد. حق تعالی تمام شاهان روی زمین را بر حسب تفاوت حکومت و کشورگشایی، بر تختگاه دنیا مستقر ساخت تا بدین وسیله مظاهر قدرت و الطاف الهی آشکار گردد. آیات و احادیثی که در متن تاریخ او به کار رفته است، نشان دهنده دیدگاه خاص او در مسائل دینی و فرهنگی است. چنانکه وی در بخش اول کتاب، پس از حمد و سپاس خداوند، چندین صفحه را به مدح و منقبت پیامبر اسلام اختصاص می‌دهد و به عنوان کتاب و عترت دو منهاج استناد می‌کند. «اَنْتِ تَارِكُ فِیْکُمُ التَّقْلِیْنِ کِتَابُ اللّٰهِ وَ عَتْرَتِیْ» فقیهی شافعی مذهب حدیث مستقیم رادو معیار قوی می‌داند آنگاه به محوری‌ترین موضوع که خلافت است می‌پردازد. درباره صحابه برای توجیه آرای خود به حدیث اصحابی کالتحجیم بایهم اقتدیتم اهتدیتم» استناد جسته، همگی خسروان روی زمین و سلاطین و مجاهدین دین را به موازات کتاب خدا و سنت پیامبر، به پیروی سیره و قول اصحاب رسول اکرم فرا می‌خواند. او معتقد است که پیامبر کسی را به جانشینی خود برگزیده بود و بنابراین تفکر، چهار خلیفه رسول را چهار رکن کعبه امامت و چهار امام دانسته از مقام همگی به نیکی یاد می‌کند، ولی - علی علیه السلام - را بیش از سه خلیفه نخستین تعریف و تمجید کرده از او با لقب «المؤمنین و ولی المسلمین، سید الاولیاء، سند الاصفیاء، جامع المکارم الزاهرة و المفاخر الباهرة» نام می‌برد پس از ذکر خلافت علی بن ابی طالب، نخست به شرح خلافت امام حسن و سپس وقایع جانگداز کربلا می‌پردازد. این قسمت از کتاب با بخش دوم که درباره سلطان یعقوب نوشته شده، پیوندی ندارد و به نظر می‌رسد که هدف از تألیف آن، یکی آشنا کردن سلطان و خوانندگان با تاریخ اسلام بوده و دیگری بیان تفکر سیاسی نویسنده که مبتنی است بر دفاع از خلافت و سلطنت. خلفای عباسی از نظر فضل الله جانشینان و امامان بر حق پس از رسول اکرم بودند که هر یک موجب قوت دین و ارشاد و هدایت مسلمانان شدند تا اینکه المعتصم بالله واپسین خلیفه عباسی توسط سپاهیان هلاک کشته شد و دوران حکومت عباسیان بدینسان پایان پذیرفت. با چیرگی چنگیزخان و فرزندان او، ایران گرفتار فتنه و خونریزی گردید و بنای رفیع خلافت و امامت و شریعت کهنه و فرسوده شد. به این ترتیب نویسنده پس از اشاره‌های کوتاه به چیرگی چنگیز و فرزندان او، تا سه قرن تاریخ پر فتنه و آشوب ایران را مسکوت می‌گذارد. پس از این مقدمه نسبتاً طولانی به اصل مطلب می‌پردازد. فضل الله با این مقدمه حکومت آق قویونلوها را با خلفای بنی عباس متصل کرده و نور خلافت را که در مغرب خانه حسن متواری شده بود، به خانه اوزن حسن بر می‌گرداند. دیباچه کتاب با عبارت مذکور و نقل چند بیت شعر به پایان می‌رسد. این دیباچه حسن مطلعی برای اثر اوست. در دیباچه کتاب، مسأله امامت، استخلاف و شورا از دیدگاه تفکر سیاسی نویسنده درخور توجه است. (همان: دیباچه کتاب ۱۱) فضل الله، تاریخ را از دیدگاهی اخلاقی و فلسفی نگریسته و آن را همواره تکرار شدنی دانسته است و عقیده دارد که رخدادهای امروز و آینده شبیه به

رویدادهایی است که در گذشته روی داده. بنابراین هدف و فایده تاریخ، کسب تجربه و عبرت آموزی از آن برای اصلاح امور است. او برای تاریخ هشت فایده را ذکر کرده و عبرت گرفتن از راه و رسم گذشتگان را ثمره اصلی علم تاریخ دانسته است.

ساختار کلی کتاب دیاربکره

در بخش نخست کتاب، مؤلف به شرح زندگانی «قرا عثمان» از متقدمان دولت آق قویونلو می‌پردازد. پس از آن حوادثی را که بعد از فوت قراعثمان به وقوع پیوسته و نیز اخبار مربوط به فرزندان و نوادگان او یعنی روزگار حمزه بیگ (۸۴۸ هـ.ق)، جهانگیر بیگ (۸۷۴ هـ.ق) را شرح داده است؛ بنابراین بخش اول کتاب با ذکر نبرد اوزون حسن با رستم ترخان از امرای قرا قویونلو و شکست وی به دست اوزون حسن در ۸۶۱ هـ.ق به پایان می‌رسد. بخش دوم کتاب با شرح حوادث مهم دوره فرمانروایان جغتای و خاندان قرا قویونلو شروع می‌شود. ابوبکر طهرانی در این قسمت پس از شرح ماجرای مرگ شاهرخ میرزای تیموری، حوادث عراق، فارس، خراسان و ماوراءالنهر را به طور کامل بیان می‌کند اما کتاب بطور کلی درباره‌ی اوزون حسن است که در حدود ۸۵۸ هـ.ق / ۱۴۵۴ م به عنوان رقیب برادر بزرگ‌ترش که از جانب دودمان آق قویونلو به رهبری انتخاب شده بود، وارد معرکه شد که در آن زمان هنوز عرصه پیکار این خاندان از مرزهای دیار بکر فراتر نرفته بود. چون اوزون حسن، برادر بزرگ‌ترش را درگیر جنگ با دشمن دیرینه‌شان قرا قویونلو دید، به یاری او شتافت به طوری که آنان را به تسلیم واداشت. اوزون حسن، لقبی است که به ابو النصر حسن بیگ بن عثمان بیگ، به دلیل بلندی اندامش داده‌اند که به این نام هم در تاریخ شهرت یافته است. در عین حال ابوبکر طهرانی از او به عنوان «صاحبقران» یاد کرده است (طهرانی، ۱۳۵۷: ۷/۱) و اروپائیان در آن زمان او را اوسون کاسانو یا آسام پی خوانده‌اند. مؤلف، نسب اوزون حسن را با هفتاد واسطه به حضرت آدم علیه‌السلام می‌رساند (همان: ۱۰/۱-۳۰) و درباره هر یک از آنان اطلاعاتی به دست می‌دهد که در مواردی، بویژه در باره پهلوان بیگ، آزدی بیگ و ادریس بیگ افسانه وار است. سپس به شرح زندگی قراعثمان، بنیادگذار دولت آق قویونلو می‌پردازد که در واقع، تاریخ این سلسله با شرح حال او آغاز می‌شود. اما ابوبکر طهرانی، در نگارش این زندگینامه، برخی رویدادها را که موجب سرافکندگی این خاندان می‌شده ذکر نکرده است، از جمله شکست قراعثمان از قرا یوسف قرا قویونلو، پناهنده شدن او به نایب مملوک‌ها در حلب، و حادثه محاصره شدن قراعثمان به دست برّسبای در آمد و مجبور شدن او به صلح. مؤلف سپس رویدادهای بعد از مرگ قراعثمان و اخبار فرزندان و نواده‌های او، یعنی دوره حمزه بیگ (متوفی ۸۴۸)، و جهانگیر بیگ (متوفی ۸۷۴)، را شرح داده است. بخش نخست کتاب با شرح جنگ رستم ترخان، فرمانده سپاه جهانشاه قرا قویونلو با اوزون حسن و شکست رستم ترخان به دست اوزون حسن در ۸۶۱ هـ.ق به پایان می‌رسد. حکمرانان جغتای و قرا قویونلو: بخش دوم با بحث‌های مهمی در باره حکمرانان جغتای و قرا قویونلو آغاز می‌شود. ابوبکر طهرانی در این بخش پس از ذکر درگذشت شاهرخ، رویدادهای عراق، فارس، خراسان و ماورالنهر را بتفصیل بیان می‌کند. (همان: ۲۵۰/۱-۳۸۴) درباره جهانشاه قرا قویونلو، پس از شرح فتح عراق و فارس و کرمان به دست او، از حمله وی به خراسان و فرستادن پسرش پیربوقا به فارس و بغداد سخن می‌گوید. پس از آن از اوزون حسن سخن به میان می‌آورد. این بخش با ذکر احوال تاریخ حکومت اوزون حسن و لشکرکشی او به گرجستان آغاز می‌شود و از درگیری او با سلطان محمد فاتح درباره مسئله طرابزون و لشکرکشی مجدد به گرجستان و گشودن حصن کیفا و درگیری او در بغداد و شکست حسن علی، آخرین حکمران قرا قویونلو، و آمدن ابوسعید تیموری و شکست او و نیز از فتح نواحی مختلف ایران سخن می‌رود. کتاب او درارتباط با رویدادهای فرمانروایی اوزون حسن را تا ۸۷۶ دربر می‌گیرد. همراه با گزارش‌های ارزشمندی که در جای جای کتاب دیاربکره داده شده است، مطالبی نیز که چندان ارزش تاریخی ندارد بتفصیل آمده است، مانند



اسامی نوکران امیرانی که در جنگ‌ها شرکت داشتند، کارهایی که می‌کردند و همچنین گفتگو از جنگ اسب‌های آنان، ذکر این مطالب ناشی از پیروی مؤلف از راوی آن اخبار بوده است.

نقد تاریخنگارانه کتاب عالم آرای امینی از فضل الله روزبهان خنجی

نویسنده از درباریان آق قویونلو است و از کارمندان درجه یک بود و به شاهزادگان تدریس می‌کرد روزبهان خنجی همانطور که از آثار دیگرش مانند سلوک الملوک و مهمان نامه بخارا بر می‌آید او فقیه بوده است و متکلم و فیلسوف و عادل است عامل تبعید و فقاقت وی باعث می‌شود ضد شیعه تندرو باشد و گاهی به آق قویونلوها کمتر و از همه بیشتر به صفویان بد می‌گوید. روزبهان خنجی فارسی الاصل بود و کتاب وی سیره نگاری است بطور مشخص سیره‌ی سلطان یعقوب است نثرکتاب متکلف مصنوع و پیچیده است و در آن از اشعار خود و آرایه‌های عربی استفاده کرده است کتاب بر روایات تاریخی غلبه‌ی تام دارد و گزارش نویسی دقیقی از آن اشاره کرده است برای مثال اتصال یعقوب به حکومت دیار بکر در زمستان توسط برادرانش و رفتن آن‌ها به منطقه حدود ۱۹ صفحه است و از این ۱۹ صفحه شاید فقط چند خطی از آن درباره‌ی تاریخ باشد بیشتر گزارش فواید تاریخ با آرایه‌های ادبی است. کتاب روزبهان خنجی را می‌توان از معدود کتاب‌های تاریخی دانست که درباره‌ی فلسفه‌ی تاریخ و فواید علم تاریخ سخن گفته است از آنجایی که کتاب روزبهان خنجی کمی مخالف دربار و اقدامات شاهان آق قویونلوها است کتاب وی رویکردی انتقاد گرایانه دارد و کتاب پر است از انتقاد سیاسی و انتقاد از نهادها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی و دینی است. (انوشه، ۱۳۷۹: ۱۰۷/۱) مبحث بعدی مطرح شده در کتاب که بسیار بحث بر انگیز است مخالفت پایان ناپذیر روزبهان از عناصر ترک است او از درون مخالف است اما زیاد بروز نمی‌دهد ولی از نثر کتابش پیداست و مورد بعدی مخالفت بی قید و شرط روزبهان خنجی با شیعه است او فعالیت‌های صفویان را برای قدرت‌گیری بر نمی‌تابد و بسیار تند و زننده از آن‌ها انتقاد می‌کند و مورد مذمت قرار می‌دهد و معتقد است شیعه ساختار جامعه را دچار مشکل کرده است و به همین دلیل پس از این سخن از ترس به بخارا گریخت و به دربار ازبکان سنی پیوست و در آنجا شاهکار اندیشه‌ی خود را تحت عنوان سلوک والملوک را به فارسی نوشت. از آنجایی که روزبهان خنجی خود بسیاری از رویدادهای دوران را دیده است از این رو جزئیاتی را ارائه می‌دهد که بسیار حائز اهمیت است. توصیفی که از اجداد پادشاهان صفوی ارائه می‌دهد به عنوان مثال (مجمل داستان مشایخ اردبیل و صفات اخلاقی نامقبول از شیخ حیدر آورده است). قابل توجه و برای پژوهش‌های عصر صفوی پر اهمیت است. وقایع مربوط به شیخ جنید و حیدر و چگونگی شکل‌گیری نیروهای هوادار خانقاه اردبیل از اطلاعات پرارزش این کتاب به شمار می‌آید. همچنین در بخش بعدی در قسمت (ذکر واقعیاتی که در خوزستان به ظهور آمده است). گزارش‌های پر اهمیتی درباره‌ی مشعشعیان خوزستان می‌باشد که در دیگر منابع کمتر به چشم می‌خورد. وقایع فارس هم با جزئیاتی بسیار در این کتاب نقل شده که در دیگر کتاب‌های دیگر کمتر بدان پرداخته شده است و این کتاب یکی از منابع مهم تاریخ اقتصادی و اجتماعی عصر آق قویونلوها بشمار می‌رود. تاریخ عالم آرا حتی درباره‌ی کاربرد سلاح‌های آتشین مورد استفاده در جنگ‌ها نیز حاوی اطلاعات ارزشمند است و طرز استفاده از سلاح‌ها را با دقت آورده است. روزبهان ضمن گزارش رویدادها پاره‌ای از اسناد و مکاتبات سلطنتی و اداری را نیز در کتاب خویش آورده است از این لحاظ او مورخی است که به اسناد دیوانی دسترسی داشته است واز آنها در تألیف خویش استفاده کرده است. «برای نمونه می‌توان به نامه‌ی سلطان حسین بایقرا به یعقوب سلطان و اشاره کرد که حتی جواب این نامه را خود روزبهان نوشته است.» (خنجی، ۱۳۸۲: ۹

دیبچه کتاب (۸۱) تاریخ عالم آرای امینی، نگاه ویژه ای در سیر تاریخ نگاری و ادبیات فارسی دارد. فضل الله به عنوان یک تاریخ نگار و گزارشگر، برخی از مهم ترین جریان های سیاسی و اجتماعی ایران را در یکی از حساس ترین مراحل تاریخی ثبت کرده و خود نیز به عنوان یک منتقد که در متن بسیاری از مسائل قرار داشته به موضع گیری پرداخته و نقادانه داوری کرده است. او به شیوه تاریخ نگاری خویش که مبتنی بر مشاهده و شنیدن از اشخاص شایسته و درخور اعتماد است، تکیه می کند و بر بی طرفی خود در نگارش تاریخ تأکید دارد. او تفاوت خرافات و تاریخ مستند را روشن می کند و ارزش تاریخ خود را با توجه به ضوابط اسلامی آنگونه که نویسنده به آن باور دارد به خواننده می شناساند. برای روشن شدن نظریات فضل الله باید به بررسی رویدادهای همان دوران پرداخت؛ قاضی احمد غفاری و یحیی بن عبد اللطیف قزوینی، دو تن از تاریخ نگاران ایرانی پاره ای از این رویدادها را به گونه ای آورده اند که با نظریات نویسنده نزدیک است. (موسوی، ۱۳۸۴: شماره ۱۴) اگر نویسنده به عنوان تاریخ نگار دربار سلطان یعقوب از برجستگی های اخلاقی و فرهنگی وی یاد کرده، فساد اخلاقی او و دیگر درباریان را نیز از نظر دور نداشته است. چنانکه همین نکته را درباره قباحت خمر و توبه کردن سلطان از باده گساری بخوبی می توان در کتابش مطالعه کرد. فضل الله از آنجا که مردی مذهبی است در تجزیه و تحلیل رویدادهای تاریخی و نیز بررسی شخصیت اشخاص، ترجیح می دهد که قلم خود را به نقل ماجراهای فتنه انگیز آلوده نکند و تا می تواند از ذکر و تکرار مطالبی که شرع آن را قبیح و نکوهیده شمرده، پرهیز کند. این جهانی را به ویژه در مطالب آغازین و پایانی هر فصل، یا مطالبی که درباره حادثه های ناگوار یا شخصیت برجسته کتاب می آید، بوضوح می توان دید که نویسنده با آوردن آیه ای از قرآن یا ضرب المثل و یا مصرعی، صفت ها و خوبی های نیک انسانی را می ستاید و به عبرت آموزی آن رویداد اشاره می کند. روزبهان خنجی، در توجیه و تایید حکومت و خلافت شاهان آق قویونلو به ذکر خصایل نسبی و حسبی که به عقیده وی در شاهان یاد شده، به کامل ترین وجهی موجود است، بسنده نمی کند و برای تبیین نظریات خود؛ مثل استادش جلال الدین دوانی از آیات قرآنی سود می برد. از آن جا که او مردی مذهبی و شریعت نامه نویس است، می کوشد در قرآن بر اساس جامعه اشاراتی به فرمانروایی آق قویونلوها بیابد، چنانکه با استناد به واژه «بضع» (قران کریم، روم آیه ۴) که در آیه چهارسوره روم آمده و براساس حساب جمل ۱۴۶۷ / ۸۷۲ و مقارن با شروع سلطنت اوزن حسن است، از پادشاهی وی به عنوان حکومت الهی که خداوند در قرآن مجید نیز وعده ظهور آن را داده، یاد می کند. او در پایان توجیحات شرعی و عقلی خود برای مستحکم کردن پایه های حکومت اوزن حسن، بار دیگر با اشاره به آیه: فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون ثابت می کند که واژه (ادنی الارض) به حساب جمل عدد ۱۴۶۷ / ۸۷۲، می شود که با سال شروع فرمانروایی اوزن حسن در ایران مطابقت دارد. پس از این توضیحات، فتوحات اوزن حسن را به طور خلاصه شرح می دهد. آن گاه درباره پایان زندگی او و در مورد جانشین وی، سلطان یعقوب چنین می نویسد:

"لاجرم چون ابراهیم آسا به بسط بساط نعم با اهل عالم مواسا فرمود و به حکم وهبنا له اسحاق و یعقوب نافله به جزای مفترضات طاعات الهی نافله ای همچو حضرت اعلی یعقوبی را بر تخت پادشاهی یادگار گذاشت."

فضل الله با آوردن القاب و عناوین پر تکلف از سلطان یعقوب به عنوان جانشین شایسته اوزن حسن یاد می کند و می نویسد که «غرض از تألیف این تاریخ عالم آرای، بیان سوانح آن حضرت است.» او باور دارد که تمام «مکارم حسبی و نسبی و کمالات ارثی و مکتسبی»، که از حد شمار بیرون است، به سلطان یعقوب رسیده و افزون بر این نکات، در هشت باب به شرح ویژگی ها و صفاتی؛ همچون: جلالت نسب، شکوه صورت، شجاعت و جوانمردی، مرحمت گستری، عدالت و داوری، دانش و حسن اعتقاد

می‌پردازد و گاهی متناسب با موضوع، شعری را چاشنی مطلب می‌سازد. (برزگر، ۱۳۹۶: ش ۲۳) فضل‌الله بیشتر گزارش‌های تاریخی خود را به صورت منطقی و دلکش باز می‌گوید. او در ذکر حوادثی که خود شاهد آن نبوده به شنیده‌های قابل اعتماد تکیه می‌کند و در بیان رویدادهای روزگار خود از مشاهدات خویش و افراد قابل اعتماد بهره می‌گیرد. سالهای بعدی که در خدمت سلطان یعقوب گذرانیده، به نظر می‌رسد که در حد پیش نویس باقی مانده است. بدون اینکه تلاش کند این رویدادها را نظم و ترتیب ببخشد. حتی درباره پیوستن خود نویسنده به دربار سلطان یعقوب نیز این آشفتگی نمودار است. اما یکی از منابع موثق درباره رخدادهای اصفهان، پدر نویسنده بوده که روایات شفاهی او در این کتاب بدون ذکر نام آمده است. (وثوقی، ۱۳۷۷: شماره ۱۲) تاریخ عالم آرای امینی به عنوان یک اثر ارزشمند ادبی نیز قابل بررسی است. نثر نویسنده در حدبیین قرار دارد، نه متکلف است و نه مصنوع. قصد نویسنده آسان نویسی بوده است تا خوانندگان مطالب و موضوعات تاریخی را به آسانی درک نمایند اما امروز نثر او چندان ساده به نظر نمی‌رسد. تمثیل را که در فن بلاغت مقام رفیعی دارد استادانه و ماهرانه به کار می‌گیرد، گاهی خود مثل میزند و زمانی از دیگران می‌آورد؛ از آیات قرآنی و حدیث گرفته تا اشعار شعرا یا امثله سایر. می‌خواهد کلام را رنگین کند و به معنی تجسم بخشد، پس شاهد می‌آورد و از بیانش نتیجه می‌گیرد. او پذیرفته بود که آنچه به احادیث نبوی و فقه اسلامی تعلق دارد، درجه نخست اهمیت است و گریز به علوم اسلامی و دیگر مسائل دینی هرگز امری خارج از موضوع نیست. در به کارگیری واژه‌های دشوار عربی دستی توانا دارد. سبک او درخشان و قدرت تخیل و تصویر سازی او نو و قوی است و به عنوان یک نویسنده با تجربه هرگز در یافتن واژه‌های مناسب، مقایسه‌های زیبا و کنایات لطیف باز نمی‌ماند؛ با عنایت به موضوع، آگاهی خود را از آن فن به کار می‌برد. در این کتاب القاب و عناوین درباری جایگاه خاصی دارد و می‌تواند راهنمای ارزشمند و مفیدی برای شناخت طبقات اجتماعی، قومیت‌ها، مناصب و مشاغل آن روزگار به شمار آید. لغات ترکی و مغولی در این اثر نسبت به منابع دیگر این دوره در حد اعتدال به صورت «واژگان» به کار رفته است و این یکی از ویژگی‌های ارزشمند کتاب است که در فهرست پایان کتاب در بخشی به نام القاب با معنی دقیق و مقتضی حال گنجانیده شده است. فضل‌الله در عالم شعر و شاعری نیز دستی داشته و در این زمینه اشعاری از وی بر جا مانده، اما از جهت کیفیت با شعرهای خوب شاعران هم عصر او قابل مقایسه نیست. در متن عالم آرا تخلص او امین است و با نوشتن نام لموتلفه تعلق اشعار را به خودش مشخص می‌کند. نویسنده به عنوان فقیهی صاحب نظر، به مسائل و جریانات حقوقی عصر خود توجه کامل دارد و کمتر تاریخنگاری چون او، به این مسائل پرداخته است و همین نکته می‌تواند یکی از ویژگیهای مهم عالم آرای امینی به شمار آید که از باب نمونه می‌توان به اصلاحات ارضی سلطان یعقوب و ماجرای قضاوت قاضی القضاات شیخ عیسی صدر اشاره کرد. یکی دیگر از ویژگیهای خوب این تاریخ، آگاهی‌های نویسنده درباره شهرها و مناطق قلمرو شاهان آق قویونلوست که امروز بخشی از این آبادی‌ها در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد.

نقد تاریخنگارانه کتاب دیار بکر به از ابوبکر طهرانی

کتاب دیار بکر به کاملاً بی طرفانه نوشته نشده، زیرا نویسنده رویدادهای مهمی را که احتمال فراموش کردن آن‌ها نبوده است شاید برای آنکه خدشه‌ای به شهرت آق قویونلوها وارد نیابد ذکر نکرده است. یکی دیگر از کاستی‌های این کتاب ذکر نکردن تاریخ رویدادهاست. مؤلف می‌توانست، با اندکی دقت، آن‌ها را معلوم کند، اما او حتی تاریخ وقایعی را که خود شاهد و ناظر آن‌ها بوده، نیاورده است. با اینهمه، کتاب حاوی مطالبی در باره دولت‌های قراقوینلو و جغتایی‌هاست که نویسنده، بیشتر آن‌ها را بر پایه

مشاهدات خود نوشته است. افزون بر اطلاعات با ارزش در باره آق قوینلوها، اطلاعات دقیقی نیز در باره قراقوینلوها، بویژه اسکندر (متوفی ۸۴۱)، جهانشاه و حسن علی در کتاب ذکر شده است همچنین در باره سازمان نظامی، سیاسی و اداری دولت‌های قراقوینلو و آق قوینلو و نیز وضع مردم آناتولی شرقی و جنوبی در سده نهم اطلاعات سودمند و مهمی در این کتاب آمده است. کتاب دیار بکر، به رغم شهرت نویسنده آن، در میان مورخان بعدی چندان مورد توجه نبوده است. خواندمیر از وجود این کتاب اطلاع داشته، اما در بخش مربوط به ترکمانان کتاب خود از آن سود نجسته است فضل بن روزبهان خنجی با کتاب دیاربکره آشنایی داشته، اما نام نویسنده را در کتاب خود ذکر نکرده است. وی در تاریخ عالم آرای امینی می‌گوید: «چون در کتاب دیار بکره که در احوال و واقعات عالیحضرت آسمان رفعت صاحب قران ماضی انارالله برهانه مسطور است، تفصیل اسماء اجداد آن حضرت با مجمل احوال ایشان مذکور گشته به تکرار احتیاج ندید» (خنجی، ۱۳۸۲: ۲۱) از این کتاب، تاریخ نگاران دیگری چون قاضی احمد غفاری، اسکندربیک منشی و حسن بیگ روملو (جاهای متعدد) سود برده‌اند. کتاب دیار بکره کاملاً بی طرفانه نوشته نشده، زیرا نویسنده رویدادهای مهمی را که احتمال فراموش کردن آن‌ها نبوده است شاید برای آن‌که خدشه ای به شهرت آق قوینلوها وارد نیاید — ذکر نکرده است. (عادل، ۱۳۸۲: شماره ۷۶)

یکی دیگر از کاستی‌های این کتاب ذکر نکردن تاریخ رویدادهاست. مؤلف می‌توانست، با اندکی دقت، آن‌ها را معلوم کند، اما او حتی تاریخ وقایعی را که خود شاهد و ناظر آن‌ها بوده، نیاورده است. از ویژگی‌های مثبت کتاب با این همه، کتاب حاوی مطالبی در باره دولت‌های قراقوینلو و جغتایی‌هاست که نویسنده، بیشتر آن‌ها را بر پایه مشاهدات خود نوشته است. افزون بر اطلاعات با ارزش در باره آق قوینلوها، اطلاعات دقیقی نیز در باره قراقوینلوها، بویژه اسکندر (متوفی ۸۴۱)، جهانشاه و حسن علی در کتاب ذکر شده است. همچنین در باره سازمان نظامی، سیاسی و اداری دولت‌های قراقوینلو و آق قوینلو و نیز وضع مردم آناتولی شرقی و جنوبی در سده نهم اطلاعات سودمند و مهمی در این کتاب آمده است. ابوبکر طهرانی در دربار از کارمندان درجه یک بود ابوبکر فردی سنی و ادیب و معتدل بود و مذهب زیاد برایش اهمیت نداشت نام کتابش «دیاربکره» هم اشاره به نام خودش و هم اشاره به تاریخ بکره دارد که زادگاه آق قوینلوها است (طهرانی، ۱۳۵۷: ۱۰۲/۱) او این کتاب را به نام حسن پادشاه نوشت کتاب را تا سال ۸۷۶ نوشته است حسن بعد از تاریخ نوشتن کتاب نیز زنده بوده است چون در سال ۸۷۸ او از عثمانی‌ها شکست سنگینی می‌خورد، معلوم می‌شود ابوبکر طهرانی از شدت ناراحتی نمی‌تواند بنویسد چون او مدام می‌خواست شجاعت سلطان حسن را نشان دهد که این در کتابش کاملاً مشهود است چون در ابتدای کتاب یک نسب نامه طولانی برای حسن ارائه می‌دهد و نسب او را به حضرت آدم می‌رساند اما او در این نسب نامه یک سلسله از باورها و نسب‌های ترکی و شخصیت جهانی آن‌ها در این نسب نامه ارائه می‌دهد مثلاً: نوع تولد بدون پدر و مادر که از حضرت مسیح و چنگیز داریم او برای سلطان حسن می‌آورد که می‌گوید پدر بزرگش جدی به نام به نام بیسوت دارد که داستان او شبیه اوغوز است و تفکرات اسطوره ای شبیه ترکان در آن تجلی پیدا می‌کند. پادشاهی در ایران ارثی بوده است و مشروعیت الهی داشته است، اما در این اسطوره سازی‌ها طهرانی عناصر ایرانی را نا دیده می‌گیرد و سعی می‌کند عناصری را بیان کند که ترکی باشند. این کتاب چند کانون اصلی دارد:

- ۱- تیموریان: که نگاه مثبتی دارد چون حکم حکومتی را تیمور به آن‌ها داده است و آن‌ها حاکم تیمور در منطقه‌ی دیار بکره بودند.
- ۲- قراقوینلوها: دیدگاه مثبت نیست ابوبکر طهرانی نوعی منفی نگری سیاسی نسبت به قراقوینلوها دارد و متضاد نگاه روزبهان خنجی است، ابوبکر طهرانی رفتارهای سیاسی خاندان جهان شاه را تأیید نمی‌کند و حتی فرزندان جهان شاه قراقوینلو را بفساد متهم





می‌کند. (طاهرخانی و سپهری، ۱۳۹۷: شماره ۱) کتاب دیار بکر به نظر زمانی کمتر به تاریخ توجه کرده است در این کتاب انقطاع محتوایی زیاد است ابوبکر هرچند براساس موضوع پیشرفته است اما مطالبش شکست دارد و خواننده را به یک نگاه اجمالی از روند رویدادهای آق قویونلو ها نمی‌رساند مطلب وی بیشتر به گزارش‌های تکه تکه در کنار هم چیده شده است شبیه است در بسیاری از مواقع مطالب فصول ارتباط معناداری با یکدیگر ندارند چه بسا خواننده در فهم این رویدادها دچار مشکل می‌شود. کتاب دیار بکر به پر است از اسامی منطقه ای و فردی که خیلی از آن‌ها تا امروز شناسایی نشده‌اند. این اسامی باعث شده که نوعی پیچیدگی و ابهام در متن بوجود آید با این همه کتاب دیار بکر به مهم‌ترین و نادرترین کتاب و منبع درباره‌ی شاه حسن است هرچند کتاب به شیوه‌ی سیره نگارانه نوشته شده است، اما گاهی رویدادهای حاشیه‌ای دراصل مطلب غلبه کرده است. سبک نگارش کتاب ساده و بدون لحاظ آرایه‌های ادبی است در کتاب شعر، حدیث و آیه‌های قرآن بکار نرفته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به تاریخنگاری عصر قراقویونلوها و آق قویونلوها که در واقع همان ادامه‌ی ساده نویسی قرن هفتم است در می‌یابیم که تاریخ نویسی این دو دوره در واقع مکمل یکدیگر هستند و شباهت بسیار دارند هرچند در جزئیات کمی دچار تغییراتی در سبک تاریخنگاری می‌شوند. یادآوری این نکته مهم است که با توجه به ترک زبان بودن پادشاهان قراقویونلو و آق قویونلو علاقه‌ی بسیاری به زبان فارسی داشته و سعی در جذب اندیشمندان داشتند و همانطور که از موضوع مورد مطالعه‌ی ما بر می‌آید ما با انتخاب گزینشی کتاب عالم آرای امینی و دیاربکر به هر کدام در یک عصر هستند می‌توان تاریخنگاری آن‌ها را به شرح ذیل نقد و بررسی کرد و با یکدیگر تطبیق داد. روزبهان خنجی که هدف خود را از تاریخنگاری بیان سوانح دوران سلطان یعقوب معرفی می‌کند اما با توجه به به حدس و گمان درارتباط با دین او که احتمالاً سنی شافعی بوده است هدف اصلی و پنهان او از تاریخنگاری دفاع از خلافت و سلطنت است او تاریخ را اخلاقی و فلسفی می‌انگارد و توجه دارد که حوادث و رخدادهاى امروز و آینده بسیار به یکدیگر شباهت دارند او برای تاریخ فوائد بسیاری می‌شمارد ولی هدف اصلی تاریخ و تاریخنگاری را ثبت وقایع و عبرت گرفتن می‌داند. لازم بذکر است که سطح علمی روزبهان خنجی نسبت به ابوبکر طهرانی بالاتر است او دستی توانا در بکارگیری لغات عربی و بکارگیری آن داشته است حتی از امتیازات تاریخنگاری او می‌توان به بکارگیری آیات قرآن کریم و لطایف سرایی برای فهم بهتر مخاطب نام برد که از این لحاظ کتاب عالم آرا نسبت به دیار بکر به جذاب تر است و خواننده را از مطالعه‌ی متن خسته نمی‌کند دیگر اینکه روزبهان تا جایی که توانسته است سعی داشته که تاریخ را بدون غرض ورزی و جانبداری بنگارد و این در حالی است که ابوبکر طهرانی زیاد به صحت گفته‌های راویان من باب حوادث توجهی ندارد و فقط به نقل وقایع بسنده می‌کند

ابوبکر طهرانی روشی تحلیلی در تاریخنگاری ندارد و ازین نظر روش تاریخنگاری او با روزبهان بسیار متفاوت است. روزبهان خنجی شاخصه‌ی کتابش اشاره به اصلاحات ارضی است که امروزه ما از آن بعنوان منبع دست اول درباره‌ی شناخت این مرزها و اصلاحات در آذربایجان و ارمنستان و گرجستان استفاده می‌کنیم ام در ارتباط با کتاب دیار بکر کتاب آنچنان اطلاعات مهمی درباره‌ی مرزها و تاریخ سیاسی نداده است و از نقاط ضعف کتاب و تاریخنگاری ابوبکر طهرانی باید بگوییم تاریخ را بیطرفانه نوشته است و هدف او برتری نشان دادن آق قویونلوها است و از ذکر حوادثی که برتری آن‌ها را خدشه دار می‌کند امتناع ورزیده است و این خود یک اشتباه فاحش در تاریخنگاری است. اما ناگفته نماند که نکته‌ی مهم کتاب دیار بکر به ذکر وقایعی است در

دوره‌ی اسکندرجهانشاه و حسن علی پادشاه است که خود نویسنده ناظر مسائل بوده است همچنین کتاب حاوی اطلاعات زیادی از باب سیاست‌های نظامی و لشگری است اما این اطلاعات در تمام جنبه‌ها نیست و فقط به ذکر مسائلی پرداخته شده است که برای حکومت کسب مشورعت و محبوبیت کند پس نگاه تاریخننگاری جانبدارانه است. ویژگی مثبت دیگری که لازم است از حیث تاریخننگاری به آن اشاره کنیم انتخاب نام کتاب است که دیار بکر به با هوشیاری خاصی انتخاب شده است که اشاره به محل تولد نویسنده و زادگاه حکومت است. در کتاب دیار بکر به از جنگ با عثمانی‌ها صحبتی نمی‌شود چون از اعتبار پادشاهان می‌کاهد و این نشانگر انتخابی بودن حوادث تاریخی است که از اعتبار و ارزش تاریخننگاری و صحت کتاب می‌کاهد؛ اما بهرحال این کتاب از نظر ذکر وقایع تاریخی و شاهد و ناظر بودن خود نویسنده به حوادث جزو منابع دست اول محسوب می‌شود. مورد دیگر اطلاعات تاریخی و جغرافیایی کتاب عالم آرای امینی اطلاعات مهمی در زمینه‌های جغرافیایی می‌دهد و این نشانگر سواد جغرافیایی نویسنده است ولی در کتاب دیار بکر به نام محل‌هایی داده شده است که اصلاً بر روی نقشه و منابع دیگر ذکر نشده است و این خود ناآگاهی نویسنده را از اطلاعات جغرافیایی نشان می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۳). ترجمه آیت الله مشکینی تهران: رواق.
- خنجی، فضل الله روزبهان (۱۳۸۴). *عالم آرای امینی*، تصحیح محمداکبر عشیق؛ تهران: نشر مکتوب
- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۷). *دیار بکر به*، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر، ج ۱-۲-۴-۱۱، تهران: طهوری.
- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۷). *مقدمه فاروق سومر بر کتاب تاریخ بکر به*، ج ۱، تهران: طهوری.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی*، تهران: نشر بینا.
- انوشه، حسن (۱۳۷۹). *دانشنامه ادب فارسی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی (۱۳۴۴)، ج ۱۹، ص ۳۷۹.
- موسوی، مصطفی (۱۳۸۴). «نقدی بر تاریخ عالم آرای امینی» نشریه آینه میراث، ش ۱۴.
- ابراهیم، برزگر (بهار ۱۳۹۶). «الگوی اسپریگنز و اندیشه سیاسی روز بهان خنجی» فصلنامه سیاست، ش ۲۳.
- وثوقی، محمد باقر (۱۳۷۷). «عالم آرای امینی» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۲.
- طاهرخانی، رضا، سپهری، محمد (فروردین ۱۳۹۷). «نقد تاریخ نگاری دوره آق قویونلو»، ماه نامه علمی-پژوهشی، ش ۱۸.
- عادل، پرویز (دی و بهمن ۱۳۸۲). «نگاه انتقادی به مقاله سلسله‌های ترکمان در کتاب تاریخ کمبریج» ماهنامه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۵-۷۶.